



استفاده از تکنیک‌های متنوع لاغری موضعی، ارزش عواقبش را دارد؟

یکی مثل آنجلینا جولی

● **خلیلی** به راستی که صورت، چشم و ابرو تنها ناحیه‌هایی نیستند که تحت تأثیر تبلیغات زیبایی قرار گرفته‌اند. این روزها شاید بیشترین دروغ‌های تبلیغاتی مربوط به تناسب اندام و رسیدن به اندام دلخواه را بشنویم و ببینیم. تبلیغاتی که به ما می‌گویند در عرض چند ساعت با طی چند جلسه می‌توانیم از شش ده‌ها کیلو اضافه وزن خلاص شویم و یک شبه تبدیل به باری شویم. ادعایی که مطمئناً هیچ عقل سلیمی آن را تأیید نمی‌کند. اما باید به خاطر داشت که خانم‌ها سال‌هاست تحت تأثیر تبلیغات گوناگون رسانه‌ها بوده و به این باور رسیده‌اند که اندام متناسب و البته سالم، یک تعریف مشخص دارد؛ آن هم چیزی است که سلبریتی‌ها نمایش می‌دهند. در حالی که اگر اندکی به زندگی همان سلبریتی‌ها نزدیک شویم، متوجه خواهیم شد که این اندام نه تنها سلامتی را برای آن‌ها به ارمغان نیاورده، بلکه این به اصطلاح زیبایی ساختگی، صدمات جبران‌ناپذیری به جسم و روان آن‌ها وارد کرده است.

یک ماه خوش‌تیپ باشیم غنیمت است

سؤال این است که آیا واقعا استفاده از تکنیک‌های متنوع لاغری موضعی، ارزش پذیرفتن تمامی این شرایط و به جان خریدن خطرات ناشی از آن‌ها را دارد؟ این سؤال را از چند مراجعه‌کننده در یک کلینیک زیبایی می‌پرسم. خانم میانسالی که با دختر جوانش آمده است، در جواب سؤال می‌گوید: «ما برای کار خاصی نیامدیم، و بعد با خنده توضیح می‌دهد: «آمدیم قبل از عید با دستگاه لاغر کنیم تا برای مهمانی‌ها جا داشته باشیم.» از او می‌پرسم قبلاً هم تجربه خدمات لاغری داشته‌که می‌گوید: «پارسال همین بساط بود، قبل از عید آمدم برای لاغری موضعی شکم و پهلو و خانم دکتر گفت اگر رژیم را رعایت کنم دو سالی ماندگاری دارد، اما خوب مگر می‌شود رفت مهمانی و چیزی نخورد؟ تازه یک ماه خوش‌تیپ باشیم غنیمت است.»

دختر جوانی که همراهش است به غیغ و صورتش اشاره می‌کند و می‌گوید: «بعد هم همه‌اش که لاغری شکم و پهلو نیست. من خودم از غیغم کلافه‌ام. آمدم به جای تزریق ژل، بالیزر صورت را کانتور کنم.» وقتی بیشتر می‌پرسم، می‌فهمم قرار است که بالیزر در چند جلسه زیرگونه‌هایش خط بیفتد و گردنش لاغرتر شود و از این صورت شرقی چیزی توی مایه‌های آنجلینا جولی در بیاید.

کی فکر چاق‌هاست؟

از بین خانم‌هایی که برای عمل‌های تهاجمی ترآمده‌اند، یکی دوتا هیچ‌علاقه‌ای به صحبت ندارند و در آخر یکی از آن‌ها با طرح این موضوع که از اضافه‌وزنش خسته شده است، می‌گوید: «سال‌هاست نمی‌توانم لباس دلخواهم را بپوشم و همیشه برای خرید مشکل دارم. چرا به جای این نمی‌روید سراغ تولیدکنندگان لباس؟ اصلاً کی به فکر آدم‌های چاق است؟ همه به ما طوری نگاه می‌کنند که انگار مریض هستیم. جرئت ندارم آسانسور سوار شوم، بقیه فکر می‌کنند الان است که سقوط کنیم. تازه حرف فامیل و اقوام هم بماند. این عمل را یکی از دوستانم انجام داده و فعلاً راضی است. اگر برای یک دو سال هم اوضاعم خوب باشد، به خطرش می‌ارزد. اصلاً بگذارید خوشگل بمیرم.» حرف که به اینجا می‌رسد، خنده تلخی می‌کند و از جایش بلند می‌شود. من هم با کامی تلخ به سراغ کلینیک دیگری می‌روم که علاوه بر این عمل‌ها مدعی هستند، رژیم ورزش هم در پکیجشان است.

با این هیکل آینده‌ای ندارم

اینجا هم بیشتر مراجعان خانم هستند. بین همه آن‌ها، دختر نوجوانی توجهم را جلب می‌کند. نگاهی به اندامش می‌کنم که چندان هم خارج از قاعده نیست و وقتی می‌فهمم برای دریافت پکیج لاغری آمده است، سؤالم را از او هم می‌پرسم و در پاسخ می‌گوید: «شما هم که شده‌اید مثل مامانم. از بچگی مراقب تغذیه من نبودم و ما را چاق و شکمو بار آورده. من الان خودم حواسم هست و این قدر ناراحت هستم که حتی نمی‌توانم یک لقمه غذا بدون عذاب وجدان بخورم. امروز به اصرار آن‌ها آمدم اینجا که به اصطلاح اصولی وزن کم کنم.» وقتی از او می‌پرسم نگران نیست برای سلامتی‌اش در آینده مشکلی به وجود بیاید، جواب می‌دهد: «با این اندام حتی با دوستانم بیرون نمی‌روم، مهمانی‌ها سفر که اصلاً. کدام آینده؟ اصلاً مگر این طوری می‌توانم با کسی آشنا شوم و آینده‌ای داشته باشم؟»

روش‌های عجیب و داروهای غریب

که راهنمایی ام کرده‌می‌پرسم که خانم‌ها بیشتر طرف‌دار کدام خدمات هستند و او توضیح می‌دهد که این روزها لیفت و کاشت ابرو و ساکشن غبغب بیشترین طرف‌دار را دارد. بعد دستی به ابروهایم می‌کشد و می‌گوید: به شما هم پیشنهاد می‌دهم در این باره از دکتر مشاوره بگیرید. همچنین توضیح می‌دهد که برای عید شرایط ویژه‌ای برای پرداخت دارند و پشت‌بندش یک کاتالوگ در باره تزریق فیلر دستم می‌دهد و می‌گوید اگر در این فرصت باقی مانده تا پایان سال نمی‌توانید تصمیم بگیرید، فعلاً می‌توانید به کمک فیلر لیفت شقیقه و گونه داشته باشید و پس از آن، سال آینده برای عمل اقدام کنید.

● هر چه او بیشتر توضیح می‌دهد، با شنیدن روش‌های عجیب و داروهای غریب، بیشتر گیج می‌شوم. انواع بروشور و کاتالوگ تاقوطی‌های دارو موادی که در کلینیک استفاده می‌شود روی میزها چیده شده است و در دیوار کلینیک در چند طبقه پراز تابلوهایی است که انواع خدمات را توضیح داده‌اند. اما مطمئن هستم که هیچ‌کدام از مراجعان اطلاع دقیقی از موادی که دریافت کرده یا کاری که روی صورت و بدنشان انجام می‌شود ندارند. کمی از قسمت مشاوره دور شده و به سراغ بخش دیگری می‌روم. خانمی با چشم‌های گریان از اتاق بیرون آمده و پریشان است. می‌پرسم کمک می‌خواهد؟ او جواب می‌دهد که طوری نیست، مزو انجام داده‌ام و خیلی درد دارد. مزو مو و چند نوع تزریق دیگر در پوست سراز جمله خدماتی است که این روزها خانم‌ها برای زیبایی و پر پشت شدن موهایشان انجام می‌دهند. به او که هنوز از درد گریان است می‌گویم راه دیگری نبود؟ او که اصلاً به نظر نمی‌رسد ناراضی باشد، توضیح می‌دهد که از استفاده کردن پکیج‌های چند میلیونی و خوردن مکمل‌های جور و جور خسته شده و تصمیم گرفته است تزریق را امتحان کند. در ادامه می‌گوید: اگر این هم نتیجه ندهم می‌خواهم آن طرف سال بیایم و در شقیقه‌هایم موبکام، لیخنه می‌زنم و می‌گویم که شما که موهایتان خوب است؟ او در حالی که اشک‌هایش را پاک می‌کند، می‌گوید نه، اصلاً موهایم را دوست ندارم. مطمئن هستم این جمله‌ای است که توی سر همه مراجعان این کلینیک حک شده است. تمامی اینجا هستند چون قسمتی از بدنشان مورد پسندشان نیست و دوستش ندارند.

شما که هنوز بچه‌اید

● به سمت پذیرش می‌روم و حضور چند دختر نوجوان توجهم را جلب می‌کند. روبه‌یکی از خانم‌های پشت کانتور می‌پرسم که اینجا برای دریافت خدمات لازم نیست به سن قانونی رسیده باشی؟ خانم لبخند می‌زند و می‌گوید دختر خانم‌ها با والدینشان آمده‌اند. بعد هم می‌گوید خیل‌تان راحت، اینجا همه دکترا در کارشان واردند و هیچ‌کدام به مراجعان توصیه غیرمنطقی نمی‌کنند. می‌پرسم شده کسی راهم از انجام برخی خدمات منصرف کنید؟ او می‌گوید کار مادر و هله اول مشاوره است. البته اگر فردی بخواهد خدماتی دریافت کند، ما فقط پیشینه پزشکی‌اش را دریافت می‌کنیم و دخالتی در تصمیم‌گیری‌شان نداریم. البته در مواردی که درخواست مشاوره بدهند، حتماً مشاوره اصولی دریافت می‌کنند. به سمت دخترهای نوجوان می‌چرخم و می‌پرسم برای چه کاری آمده‌اند؟ یکی از آن‌ها آمده تا چال‌گونه‌اش را گودتر کند و دیگری برای تزریق چانه آمده است. می‌گویم فکر نمی‌کنید که زود باشد؟ شما که سنی ندارید و هنوز بچه‌اید! هر سه با تعجب مرا نگاه می‌کنند و می‌خندند. می‌دانم که بر اساس آمار، سن دریافت خدمات زیبایی پایین آمده است و حضور این دخترها و خنده‌هایشان این موضوع را به خوبی ثابت می‌کند.

من دوست‌داشتنی که دست‌نیافتنی است

● خانم‌های میانسال، زنان جوان به همراه شوهرانشان و مادرها با بچه‌های قدونیم‌قد تندتند می‌آیند و وارد یکی از اتاق‌های شون و با چشم‌های خیس یا لب‌های خندان خارج می‌شوند. سروروی همه یا بسته‌بندی است یا خونی یا ورم و چسب دارد. اما در چشم‌های همه‌شان برق می‌زند، زیرا فکر می‌کنند که برای بهتر شدن حالشان و دوست‌داشتنی شدن، جای درستی آمده‌اند. برقی که گاهی یکی دو ماه، گاهی شش ماه و گاهی یک روز هم دوام ندارد. این را خانمی ثابت می‌کند که با داد و ببیداد به یکی از کارمندان کلینیک می‌گوید تزریق گونه‌اش را دوست ندارد و باید همین امروز ژل را تخلیه کنند. کارمند وقتی بالاخره موفق می‌شود او را آرام کند و به یکی از اتاق‌ها ببرد، برمی‌گردد و جوری که همه بشنوند، می‌گوید: بیا جوی محترم زیادی وسواس دارد و کمال‌گراست. اما ادامه نمی‌دهد که این بخشی از عوارض انجام عمل‌های زیبایی است و ممکن است با رفتن همه مسیر و پذیرش درد و عوارض و پرداخت هزینه، در پایان باز هم به فرد دوست‌داشتنی و مطلوب نظرمان نرسیم.